

روزنامه



تصور اسلام

انجمن جهانی جوانان اسلام قصد دارد به منظور معرفی اسلام کاروانی تبلیغاتی را در طول زمان انجام بازی‌های جام جهانی فوتبال آلمان راه‌اندازی کند. به گزارش ایکتا به نقل از سایت اینترنتی «نسپج» (دکتر حمید موسی مدیرکل مرکز این انجمن در قاهره گفت: یک شبه این انجمن در برلین با شعار «معرفی اسلام» در طول رقابت‌های جام جهانی ۱۹ خردادماه مطابق با نهم ژوئن آغاز می‌شود و ۱۸ مردادماه نهم ژوئیه به پایان می‌رسد، فعالیت تبلیغاتی خود را آغاز می‌کند. در دربارهٔ اهداف این حرکت تبیینی بودی خاطرنشان ساخت: حدود یک میلیون تا یک میلیون و نیم کاست معرفی اسلام به دو زبان آلمانی و انگلیسی چاپ شده است که هیات مساجد مسکولیت توزیع آن را به همراه ماک‌ت‌هایی به عهده خواهد داشت.

گروه اندیشه: یوهانس پتر دو بروین چهار دهمین کسی است که از سوی بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار مورد تقدیر قرار می‌گیرد. واقع در یادداشتی درباره این جوایز نوشته است: «جوایزی که در این موقوفات تعیین شده مانند سایر امور آن پیرامون هدف آن است، تکمیل وحدت ملی به وسیله زبان فارسی، یعنی کتب و رسالات و مقالات و اشعاری که در پیرامون این هدف نوشته شود، خواه به زبان فارسی، خواه به زبان‌های دیگر، خواه به وسیله ایرانیان یا ملل دیگر، خواه در خود ایران، خواه در خارج می‌تواند نامزد دریافت جایزه گردد. برای این کار آیین‌نامه‌ای باید تهیه شود که اجمالاً اصول آن را یادداشت می‌کنم.»

دو بروین که تا به حال رسالات، مقالات و کتاب‌های متعددی درباره فرهنگ و زبان ایران نوشته و استاد راهنمای بسیاری از ایران‌شناسان بوده‌است در دهم خرداد سال ۱۳۸۵ نامزد دریافت جایزه شد. آغاز اهدای این جوایز سال ۱۳۶۸ است و نخستین کسی که از سوی این بنیاد مستحق دریافت جایزه شناخته شد، دکتر نذیر احمد دانشمند هندی بود. پس از او به ترتیب در سال‌های مختلف و به شکلی نامنظم این جوایز به ادیبان و دانشمندان مختلف اهدا شد که روند آن بدین شرح است: غلامحسین یوسفی(۱۳۶۹)، امین عبدالمجید بدوی (۱۳۶۹)، سید محمود دبیر سیاقی (۱۳۷۰)، ظهورالدین احمد (۱۳۷۰)، جان هون نئین (۱۳۷۵)، کمال‌الدین عینی (۱۳۷۷)، منوچهر ستوده (۱۳۷۹)، کلیفوردا اموند باسورث (۱۳۸۰)، عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۸۲)، فریدون مشیری (۱۳۸۲)، تسونوئوکورو یانانگی (۱۳۸۲)، ریچارد فرای (۱۳۸۳) و هانس دو بروین (۱۳۸۵).

دو بروین سفرهای متعددی به نقاط مختلف ایران داشته و آثار مهمی را از خود به جای گذاشته‌است. او در آستانه هفتاد و پنج سالگی در ایران حاضر شد تا فرش دستبافی را که محمد زمانی بافنده شهریر فرش نام او را به آن بافته بود به عنوان جایزه بنیاد موقوفات دکتر افشار دریافت کند. دو بروین اثری به زبان فارسی نوشته و تقریباً تمام آثار او به زبان‌های خارجی است و همه آنها بیرون از ایران منتشر شده‌اند. یوهانس توماس پتیر اسلام‌شناسی به تحصیل مشغول شد و پس از انجام این امور به فراگیری زبان فارسی و ترکی پرداخت. دو بروین از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۹۵ در ابتدا به‌عنوان استادیار و سپس به‌عنوان استاد ممتاز کرسی‌دار در بخش ایران‌شناسی دانشگاه لایدن فعالیت‌های خود را در زمینه فرهنگ و زبان فارسی ادامه داد. ماحصل فعالیت او در دانشگاه لایدن و بخش خوارمیانه موزه دولتی قوم‌شناسی، کتاب‌ها و رساله‌های متعددی است که برخی از آنها به زبان فارسی ترجمه شده‌است. جدا از این آثار دو بروین در پروژه‌های ایران‌شناسی مختلفی همکاری داشته که یکی از آنها پروژه «تاریخ ادبیات ایران» از یان ریبکا است. از دو بروین مقالات مهمی در دانشنامه اسلام، ایرانیکا و بریتانیکا موجود است. «حکیم اقلیم عشق: تاثیر متقابل دین و ادبیات در زندگی و عصر حکیم سنایی غزنوی» که به سال ۱۳۷۸ با ترجمه محمد علوی مقدم و محمدجواد مهدوی از سوی انتشارات احمد قدس رضوی منتشر شد یکی از مهمترین و مشهورترین آثار

حمیدرضا ایک مبارزه نقش گیر صدا و سیما با افزایش نرخ عمل بینی به مرحله‌ای بسیار جدی رسیده است. پس از تولید مجموعه برنامه های مفصل کارشناسی درباره مضرات این عمل ، که از جمله عمل های زیبایی به شمار می رود، چند شب پیش در یکی از سریال های تلویزیونی هم «عمل بینی» موضوع اساسی بود. چند خانم قرار بود به دلایلی که قاعدتاً به زعم کارگردان و نویسنده صرفاً چشم‌روی هم چشمی است، بینی‌های قرار گرفته در آفاسیدشان را به دست تیغ جراحی بیاورند. آقایان بزرگوار، وید شوهر نیز گاه چون فرشتگانی معصوم ، آنها را حذر می‌دادند و گاه چون گلداتلوت‌رهای خشمگین فریاد برمی‌آوردند و زنان چشم‌روی هم چشم و بیزاز از دماغ خردی‌های ر تبتیه می‌کردند. اما در این سریال یک استدلال باید تکرار شود. «هر چیزی را باید همان طور که خدا داده پذیرفت.»

این بازی فراگیر، آن بازی فراموشی شده

یکی ـ کیست که نداند همه ما از روشنفکر و عامی، روزنامه‌نگار و دانشجو، معلم و دانش‌آموز، بقال و نانوا، کفاش و بنا، رزاق و رزاق و هفتصد تا دوتایی دیگر، ساعتی را به تماشای فوتبال می‌گذرانیم و شب که به خانه می‌رسیم پیچ تلویزیون را (که دیگر نمی‌پچانیم) فشار می‌دهیم و می‌نشینیم پای همین سریال‌های آبدوخ خیاری که با ضرب و زور هیچ دنگکی آدم با خود نمی‌کشد و از فرط آب بستن چیزی نمانده اندک‌های بینندگان عزیز نم بردارد، که اگر نیم‌ساعت از آن بگذرد، تو حواس‌ت پرت شود باز قصه همان جاست که بود و هیچ از دست نداده‌ای و انگار نه انگار که چیزی جلو رفته و ماجرای پیش آمده و . . . فوتبال که دیگری جای خود دارد و هزار هزار بار شرف با آن سریال‌های آیکی که اگر نیم ساعت آن هم بگذرد، . . . فرقی است! است که به بهواری از خلایقیت و جذابیت دارد و در حداقلی‌ترین نگاه ممکن تکنیک تصویربرداری آن (حتی اگر خود بازی فاقد زیبایی‌های معمول باشد) و رنگ و لعابش به همه سریال‌های تلویزیونی (آیکی که اگر نیم‌ساعت . . .) ترجیح‌دارد، تو بگو ترجیح بلارمچ. . . کیست که با همه علم و دانش و فضل و خرد خود و با همه اطوارهای پاستوریز و استریلیزه یک فرهنگ بیمار، ساعتی را ولو اندک پای تلویزیون به تماشای فوتبال سریی تکرده باشد و با خنجراده و با رفتاری خود تخمه و چیپس و پنک نخورده باشد؟! چه کسی می‌تواند ادعا کند که تابه حال حتی قافایی از وقت (احتمالاً گرانبهایش) را به دیدن فوتبال لاسل از سطح ملی آن نگذرانده‌اند؟ آب شب کذایی، ساعت دوازده گشتی، سال۱۹۹۸، بازی ایران و آمریکا را ندیده و پس از گل طلایی حید استیلی به هوا نترپیده باشد. کار از فرهنگ عامه و توده‌ای گذشته و این ورزش گسترده و فراگیر دامان همه را تتر کرده است. در روزهای بعد در این باره بیشتر خواهیم گفت و درباره آنها که با همه این تفاسیر همچنان فوتبال را به هیچ می‌گیرند.

فلسفه و کارخانه بت‌سازی

صالح نجفی: ژان کالون، مثلاً پروتستان فرانسوی و پایه‌گذار آئینی که به نام خود وی مذهب کالونی نامیده شده است، در قرن شانزدهم میلادی گفت: ذهن بشر کارخانه بت‌سازی دائمی است—آن هم به قصد فرار از خدا. چرا که روبرو و شدن با خدایی که به راستی خدا باشد، به حقیقت رعب‌آور است. وقتی موجودی منتهای، موجودی که از تناهی خویش آگاه است روی درروی وجودی (و نمی‌گوییم موجودی) بایستد که از قرار معلوم نامتناهی است، یعنی کران و پایان ندارد، خواهی نخواهی بیش از همیشه با تهدید عدم خویش مواجه می‌گردد. موجودی که وجودش «مشروط» است و «محدوده»، هنگام رویارویی با وجود «مطلق» و «نامحدود» دچار بزرگ‌ترین اضطراب می‌شود. تائید وجود مطلق به اضطراب موجود منتهای دامن می‌زند. گریز از این اضطراب بی‌درمان، به زعم کالون، نیاز به بت‌سازی دائم دارد، بت‌هایی که مواز هراس مواجهه با تهدید مهیب «عدم» می‌گویی و از ضرورت پرسشش از دم می‌زنی، گزیری و گزیری از رودروی او ایستادن نداری و این یعنی نت‌دادن به اضطراب. تحمل و تاب آوردن مواجهه با خدا ظاهراً راهی جز گریختن از این مواجهه، این عامل اصلی اضطراب ندارد. و این همان است که کالون بت‌سازی دائمی نامیده است. اما این که ذهن بشر را کارخانه بت‌سازی دائمی بنامیم

سعدی هلندی و فرش ایرانی

گزارشی از مراسم اهدای چهاردهمین جایزه ادبی و تاریخی بنیاد دکتر محمود افشار

او درباره ادبیات ایران «شعر عرفانی فارسی» یکی دیگر از آثار اوست که در سال ۱۳۷۵ با ترجمه مجدل‌الدین کیوانی از سوی نشر مرکز منتشر شد. دو بروین در این کتاب به شعر عرفانی فارسی و چهار موضوع «لطایف عرفانی»، «موعظه و زهدیات» و «شعر عاشقانه» و از او به ترتیب در سال‌های مختلف و به شکلی نامنظم این جوایز به ادیبان و دانشمندان مختلف اهدا شد که روند آن بدین شرح است: غلامحسین یوسفی(۱۳۶۹)، امین عبدالمجید بدوی (۱۳۶۹)، سید محمود دبیر سیاقی (۱۳۷۰)، ظهورالدین احمد (۱۳۷۰)، جان هون نئین (۱۳۷۵)، کمال‌الدین عینی (۱۳۷۷)، منوچهر ستوده (۱۳۷۹)، کلیفوردا اموند باسورث (۱۳۸۰)، عبدالحسین زرین‌کوب (۱۳۸۲)، فریدون مشیری (۱۳۸۲)، تسونوئوکورو یانانگی (۱۳۸۲)، ریچارد فرای (۱۳۸۳) و هانس دو بروین (۱۳۸۵).

دو بروین سفرهای متعددی به نقاط مختلف ایران داشته و آثار مهمی را از خود به جای گذاشته‌است. او در آستانه هفتاد و پنج سالگی در ایران حاضر شد تا فرش دستبافی را که محمد زمانی بافنده شهریر فرش نام او را به آن بافته بود به عنوان جایزه بنیاد موقوفات دکتر افشار دریافت کند. دو بروین اثری به زبان فارسی نوشته و تقریباً تمام آثار او به زبان‌های خارجی است و همه آنها بیرون از ایران منتشر شده‌اند. یوهانس توماس پتیر اسلام‌شناسی به تحصیل مشغول شد و پس از انجام این امور به فراگیری زبان فارسی و ترکی پرداخت. دو بروین از سال ۱۹۴۴ تا ۱۹۹۵ در ابتدا به‌عنوان استادیار و سپس به‌عنوان استاد ممتاز کرسی‌دار در بخش ایران‌شناسی دانشگاه لایدن فعالیت‌های خود را در زمینه فرهنگ و زبان فارسی ادامه داد. ماحصل فعالیت او در دانشگاه لایدن و بخش خوارمیانه موزه دولتی قوم‌شناسی، کتاب‌ها و رساله‌های متعددی است که برخی از آنها به زبان فارسی ترجمه شده‌است. جدا از این آثار دو بروین در پروژه‌های ایران‌شناسی مختلفی همکاری داشته که یکی از آنها پروژه «تاریخ ادبیات ایران» از یان ریبکا است. از دو بروین مقالات مهمی در دانشنامه اسلام، ایرانیکا و بریتانیکا موجود است. «حکیم اقلیم عشق: تاثیر متقابل دین و ادبیات در زندگی و عصر حکیم سنایی غزنوی» که به سال ۱۳۷۸ با ترجمه محمد علوی مقدم و محمدجواد مهدوی از سوی انتشارات احمد قدس رضوی منتشر شد یکی از مهمترین و مشهورترین آثار

نقش صدا و سیما در زیبایی بینی

ظاهر این سخن بسیار حکیمانه است. بالاخره کیست که نغوذالله در برابر اراده خداوند قد علم کند؟ اما آیا آقای تهیه‌کننده به عمرش آرایشگاه زتفته است؟ با این حساب ناخن‌های دست و پای کارگردان باید امروز به اندازه بیل بالابرنده یک لیود ساخت شرکت هیکو شده باشد. بگزدیم از اینکه آقایان در این صورت لباس پوشیدن انسان‌ها را چگونه توجیه می‌کنند. می‌توان درباره خطرات عمل بینی توصیه‌های بسیار کرد. می‌توان با رشد بی‌رویه توجه به زیبایی جسمانی اعتراض داشت. می‌توان از پزشکان و متخصصان زیبایی خواست که استدلال کنند زیبا بودن صرف بینی دردی دوا نمی‌کند و ترکیب چهره باید زیبا باشد. اما استفاده از استدلال‌های بی‌محتوا و نخ‌نما تنها گمراه‌کننده است و مایه خنده.

hamidreza-abak@ Yahoo.com

اولین سخنران مراسم سیدمصطفی محقق‌داماد از متولیان بنیاد دکتر افشار بود که با ذکر تاریخچه‌ای از این بنیاد مراسم را آغاز کرد. پس از او نصرالله پورجوادی، علی‌اشرف صادقی، صادق سجادی و مریم حسینی با موضوعات مختلفی درباره هانس دو بروین سخنرانی کردند. نصرالله پورجوادی ضمن تقدیر از تلاش این محقق به فعالیت‌ها و خدمات دو بروین در زمینه شعر فارسی پرداخت و درباره ترجمه و تحقیق او درباره اشعار سنایی سخن گفت. علی‌اشرف صادقی سخنران دیگر این جلسه به پیوند زبان فارسی با مفاهیم عرفانی پرداخت و در خلال این سخنرانی اشاراتی هم به آثار دو بروین داشت. مریم حسینی زبان دو بروین در دو کتاب «شرح و شعر» و «شعر صوفیانه» را بررسی کرد. در ادامه مراسم مجدل‌الدین کیوانی بیانیه چهاردهمین دوره جایزه ادبی و تاریخی محمود افشار را قرائت کرد و با برش‌مردن خدمات او به زبان فارسی قالیچه را به دو بروین اهدا کرد. پس از اهدای قالیچه سخنرانی پرفسور دو بروین در دو بخش فارسی و انگلیسی آغاز شد و در آن درباره علاقه‌اش به سنایی و دشواری‌های تحقیق درباره سنایی و نسخه‌های خطی آثار سخن گفت.

«سعدی در هلند» عنوان سخنرانی دو بروین به زبان انگلیسی بود. در این بخش او از نخستین دست‌نوشته‌های فارسی که به کتابخانه دانشگاه لایدن راه یافت سخن گفت. گلستان سعدی نخستین دست‌نوشته‌ای بودکه به کتابخانه این دانشگاه رسید. او گفت: «ا این نسخه از گلستان سعدی در اصل به ژوزف اسکالیگر پژوهشگر معروف فرانسوی که در سال ۱۹۵۰ به عنوان استاد افتخاری به لایدن دعوت شد و تا زمان مرگش در ۱۶۰۹ در هلند ماند، نسبت داده شد. ولی تا آنجا که اطلاع دارم، اسکالیگر تنها یک نسخه‌اش را داشته و آن واژه‌نامه فارسی به ترکی است که در یکی از نامه‌هایش از آن نام برده است.» دو بروین در ادامه این سخنرانی به تشریح و توصیف دقیق این نسخه مهم در دانشگاه لایدن پرداخت و درباره همه کسانی که درباره این نسخه تحقیق کرده‌اند سخن گفت که در واقع گزارشی از فعالیت‌های ایران‌شناسی در هلند بود.

اما آنچه که نام دو بروین را در ماه‌های اخیر بر سر زبان‌ها انداخت ترجمه او از شاهزده احتجاب و چند داستان کوتاه دیگر از هوشنگ گلشیری است که هنوز منتشر نشده است. این ترجمه در ماه سپتامبر ۲۰۰۶ توسط انتشارات بولاق در آستردام منتشر خواهد شد و در کنار کارهای دیگر دو بروین درباره ادبیات ایران قرار خواهد گرفت. دو بروین در ۱۲ جولای سال ۱۹۳۱ در شهر تاریخی لایدن متولد شده است. او استاد سابق دانشگاه لایدن است. از آنجا که در سال ۱۹۹۵ از این سمت بازنشسته شد به تحقیق و پژوهش پرداخت. بازنشستگی او تاثیری در ادامه فعالیت‌های او نداشته است. او در حال حاضر در تنظیم مجموعه «تاریخ ادبیات فارسی» همکاری می‌کند و دانشجویان بسیاری در مقطع دکترا توسط او هدایت شده و پایان‌نامه‌های بسیاری را نظارت او نوشته شده و مورد استقبال ایران‌شناسان خارج از کشور قرار گرفته است. البته ناگفته نماند که این اولین بار نیست که هانس دو بروین مورد تقدیر و تحسین قرار می‌گیرد.

همه و همه با هیچکس



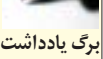
هیچ علاقه مند به اندیشه‌ای را از تفکر در امان نگذارید. حال اگر ما هم چند خط بنویسیم برای همه کس و هیچ کس تا این اندازه تجدید چاپ خواهیم شد البته که هرگز، حتی چاپ گر (منظور printer است) هم نخواهیم شد چون اشعار و شعرهای تبلیغاتی که موضوع آنها اندیشه برای همه است چیزی در حد صا ایران هر روز بهتر از دیروز و بانک ملت بانک شما خواهد بود. در پایان عرض می‌کنم که بگوییم اندیشه برای همه، یعنی اندیشه برای همه است و هیچ کس شاید این شعار تبلیغاتی که از قرن نوزدهم تا به حال در فروش کتاب «چنین گفت زرتشت» موثر بوده برای ما هم مفید فایده باشد. هر چند که غرض هم سر انجام در این مقال نگنجید!

جامعه مصرف‌گرای توسعه‌نیافته



مصرفی (اداره و فروشگاه) بر امر تولیدی (کارخانه و شرکت‌های تولیدی) یکی از مهم‌ترین مولفه‌های جامعه مدرن ایرانی است. همین وجه مصرفی است که جامعه ایرانی را درگیر تجاری‌کردن است که صرفاً آن را می‌توان در «اجوامع مصرف‌گرای توسعه‌نیافته» دید. بنابراین نمی‌توان جامعه ایرانی را جامعه‌ای پست مدرن یا متخصصات جامعه غربی دانست. ایران جامعه مصرف‌گرای توسعه‌نیافته‌ای است مهندنتصاویر چندبعدی در اشکال مختلفی ظاهر می‌شود و جلوه‌های مختلفی از خود را به نمایش می‌گذارد.

ما و ساختمان‌ها



محمد قانند: امروز ما دشوار بتوانیم در بنایی ایرانی که زمانی در گذشته دور مسجل بود راحت زندگی کنیم. سبک زندگی دستخوش تغییرهای اساسی شده و بناها را منظمآ تعمیر و بازسازی نکرده‌اند تا قابل استفاده بماند. یک صبح بیدار شده‌ایم و دیده‌ایم بنایی می‌توان فقط برای عکس گرفتن استفاده کرد.

هوایی خشک هم که رس ساختمان را می‌کشد در این فرسودگی و از کارافتادی تاثیر دارد. در هواهای معتدل‌تر، استفاده از بناهای چندصدهساله آسان‌تر است ساختمان‌های چندده‌ساله مناطق کویری است. این ها، به برکت مصالح و معماری نوین شاید بتوان به ساختمان‌ها عمر مفید درازتری بخشید. اساس ساختمان پارچا می‌ماند و می‌توان آنها را با نیازها و شیوه کار و زندگی در هر عصر تطبیق داد. متغیرهایی البته بیرون از اراده آدمیان عمل می‌کنند. در دهه ۱۳۵۰ که تب هرم‌سازی دنیا را گرفته بود، قرار شد تهران هم صاحب هرم شود. سی سال بعد که هرمی در بهارستان ساخته شد به قامت ناساز میدان پیرامونش زار می‌زد. هرم‌هایی که همان موقع در لورو و جاهای دیگر ساخته شد محیطی قدیمی جلوه‌تاز ده. هرم تهران فقط کهنگی محیط فکستی اطراف را دوچندان می‌کند.



هفتاد سال پیش که ساختمان کتابخانه ملی ایران ساخته شد به تصور هم نمی‌آمد روزی آن منطقه تهران چیز دیگری شود. و خود ساختمان به سبب کاتال گولرها و نوع تعمیراتی که بر آن روا داشته‌اند سایه کم‌رنگی است از روزگار شباب خویش. هر بار که دره‌ایی چوبی را رنگ می‌زنیم آنها را به چندین سال کهنه‌تر می‌کنیم چون خلایقات ملی متمایل به کثند و دوراندختن است، نه نگهداری چیزها بدان‌سان که بود.

کتابخانه ملی جدید می‌تواند به بهبود درک ما از ساختمان کمک کند: بنایی محکم و ساده که می‌توان هر چندده سال همین قدر که با دقت و زیر نظر معماران اصلی حفظ شود و از گزند تعمیر و نقاشی و دستکاری به سبک متداول در امان بماند دستوارد فرهنگش بسیار بزرگی خواهد بود. معمولاً در اداره‌های دولتی بوی پادزاف فرارسیدن نیم‌روز با اعلام می‌دارد. در ساختمان کتابخانه ملی مبارزه با انتشار بوی غذا از مطبخ به قسمت‌های دیگر هم به تدبیرهایی اندیشیده‌اند که حتی از سوی ساینسگران قورمه‌سیزی جای قدردانی دارد. در مجموع، این بنای ساده می‌تواند الهام بخش فرهنگ معماری ایران باشد.



«من خود را خوش‌اقبال می‌دانم که این موهبت را داشتم‌تا به بهترین ایام عمر خود را صرف پیشاسقراطیان کنم.»

هرمان دیلس

«فلاسفه پیش از سقراط افسونی بی‌همتا دارند که در آغازگاه‌ها نهفته است.»

کارل یاسپرس

مسعود زنجانی: قطععات پراکنده و به جای مانده از فیلسوفان پیشاسقراطی، تا نیمه دوم سده نوزدهم، نه جمع‌آوری شده و نه در بوته سنجش و ارزیابی دقیق علمی‌نهادده شده بود. در سال ۱۸۷۹ استاد زبان‌های باستانی، یوهننه پرکار و کم نظیر آلمانی، هرمان دیلس (۱۹۲۲–۱۸۴۸)، در سن ۳۱سالگی کتاب چندصدای خود را به نام «عقاید‌نگاری یونانی» منتشر ساخت. این کتاب که زائیده سال‌ها مطالعه، پژوهش و تامل بود بر زمینه آگاهی‌ما درباره فیلسوفان پیشاسقراطی نوری بی‌سایه افکند. دیلس این کتاب با کاربرد دقیق‌ترین شیوه کار علمی انتقادی، تمامی منابع را در بوته سنجش و مطالعه وسیع زبان‌شناختی و تاریخی قرار داد و سرچشمه‌های اصلی منابع گوناگون و همچنین رشته‌هایی که مولفان را قرن‌ها به یکدیگر پیوند می‌داد نشان داد. این کتاب موجب شهرت فراوان وی شد و آکادمی علوم پروس به وی جایز داد.

اما کتاب دوران‌ساز دیلس «قطععات پیشاسقراطی» است

که ۲۴ سال پس از کتاب نخست وی به سال ۱۹۰۳ منتشر شد. از هنگام انتشار آن تاکنون، این کتاب بزرگ‌ترین و مهم‌ترین منبع درباره فیل وفان پیشاسقراطی و آرا و نظرات آنها است. دیلس در این کتاب که اکنون در دو جلد متن و یک جلد اعلام و اصطلاحات در دست است، دقت و زیرنگری علمی و انتقادی را به حد کامل رسانده است، او

در این کتاب متن یونانی و رومی را که در منابع گوناگون، پراکنده بوده است با تبحر و آگاهی ژرف خود از زبان و ادبیات یونانی و لاتین، گرد آورده و سپس آنها را به آلمانی تبدیل کرده است. این کتاب شهرت و اعتبار را به‌جانبگیر ساخت

و برای او جایزه‌ها و افتخارهای فراوان از آکادمی‌های علوم کشور‌های دیگر به بار آورد.

پس از دیلس مهم‌ترین تحول در زمینه کار او به دست شاگرد برجسته وی والتر کراتس انجام شد. کراتس چاپ ششم قطععات پیشاسقراطی را با ملحقات و تعلیقات ارزشمندی در سال ۱۹۵۲ منتشر کرد که از آن پس این چاپ در تمامی مطالعات و تحقیقات پیشاسقراطی مرجعیت دارد. دکتر شرف‌الدین خراسانی (۱۳۸۲–۱۳۰۶) اکثر این قطععات را با نظر به همین نسخه در کتاب ارزشمندش «نخستین فیلسوفان یونان»، در لابه‌لای شرح و تفسیر زندگی و زمانه و آرا و نظرات در فلسفه پیشاسقراطی از باستانی‌ترین لهجه‌های یونانی به فارسی برگردانده است. وی در بیان شیوه کار خود می‌نویسد «کوشیده‌ام که به‌دقت آنها به پارسی اماکن به‌دست‌یابی یونانی نزدیک‌تر باشد و حتی واژه‌ها و تعبیرها نیز رنگ و روح ایرانی خود را نگه دارند. البته در ترجمه و فهم بسیاری از تعبیرها نیز ترجمه‌های استادان اروپایی، همواره در پیش چشم بوده است.»

masoud@vivaphilosophy.com

حکمت شادانان

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی

روزمره‌گی